



عدم رعایت قوانین و مقررات جرم یا تخلف؟

حسن حاجیان

حسابدار رسمی

وی از چگونگی رعایت آن قوانین و مقررات توسط واحد مورد رسیدگی و ارکان آن، امری الزامی و گریزناپذیر است. پر واضح است که اجرای صحیح الزامات و احکام حرفه‌ای، مستلزم شناخت دقیق ماهیت و قلمرو مفاهیم مطرح در حوزه‌های مورد بررسی است. با توجه به حساسیت‌های موضوع و مخاطرات تداخل مباحث که گاهی می‌تواند به گمراهی قضاوت‌کنندگان و تضییع حقوق قضاوت‌شوندگان منجر شود، چنین شناختی در حوزه‌ی قوانین و مقررات باید از دقت نظر بالایی برخوردار باشد.

جرم و تخلف، از جمله واژگانی

قوانین و مقررات جاری باشد، تعریف شده است. اگرچه در استاندارد تصریح شده که تشخیص نهایی این که یک عمل خاص از مصادیق عدم رعایت است یا احتمالاً از مصادیق آن است با مراجع ذیصلاح قانونی است، ولی نباید از نظر دور داشت که تسری تردید حرفه‌ای به پای‌بندی واحد مورد رسیدگی و مدیران و کارکنان آن نسبت به رعایت قوانین و مقررات، تکلیفی است که استاندارد حسابرسی ۲۰۰، حسابرس را مکلف به انجام آن دانسته است. در همین راستا شناخت کلی حسابرس از چارچوب قوانین و مقررات مربوط به واحد مورد رسیدگی و صنعت آن و نیز ارزیابی

ارزیابی رعایت قوانین و مقررات در حسابرسی صورت‌های مالی، اقدامی است که ضرورت توجه حسابرسان به آن، در استاندارد حسابرسی ۲۵۰ مطرح شده است. به موجب بند ۲ استاندارد فوق، حسابرس هنگام برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و همچنین ارزیابی و گزارشگری نتایج حاصل از رسیدگی‌ها باید توجه داشته باشد که عدم رعایت قوانین و مقررات توسط واحد مورد رسیدگی ممکن است به گونه‌ای بااهمیت بر صورت‌های مالی اثر بگذارد. اصطلاح عدم رعایت، از دیدگاه استاندارد مزبور، انجام دادن یا انجام ندادن کاری به‌سهو یا عمد که خلاف



**جرایم مهم‌تر که دارای مجازات‌های سنگین‌تر هستند
"جنایت"، "جرائم ساده و کوچک
"خلاف" و "جرائمی که از لحاظ
اهمیت در بین جنایت و خلاف
قرار می‌گیرند "جُنحه"
نام‌گذاری شده است**

بودن عمل خود، نسبت به آن اصرار می‌کند. در این حالت، گناه رفته‌رفته سراسر وجود مرتکب را فرا می‌گیرد تا جایی که در ادامه، بی‌اختیار و بدون قصد و اراده مرتکب گناه می‌گردد و از این طریق به‌مرور حتی گناهان صغیره برای او به دلیل تکرر در ارتکاب، تبدیل به گناهان کبیره می‌شود. در "خطای غیرمستول"، مرتکب به‌طور ناخواسته و بی‌اختیار مرتکب خطا می‌شود که معمولاً به صورت "خطئی" و "اخطأنا" در آیات آمده است.

بررسی سوابق موجود حاکی از آن است که در قوانین کیفری پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تخلف به عنوان یکی از مصادیق جرم در نظر گرفته می‌شده است. در آن قوانین، جرایم تحت سه عنوان جنایت، جُنحه و خلاف تقسیم‌بندی می‌شده‌اند که مجازات‌های هریک از آن‌ها متناسب با آثار و پیامدهای خصوصی و عمومی عمل انجام شده متفاوت بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجازات‌های اسلامی ملاک اصلی برای تقسیم‌بندی جرایم شد و از این‌رو در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، جرایم به "حدود"، "قصاص"، "دیّات"، "تعزیرات" و "مجازات‌های بازدارنده" دسته‌بندی شدند و هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، به عنوان جرم تعریف گردید. در بازنگری قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ (قانون مجازات اسلامی جدید)، تعریف جرم به هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد تغییر داده شد و "مجازات‌های بازدارنده" با این توجیه که مفهوم تعزیرات به گونه‌ای گسترده است که این مجازات‌ها را نیز در بر می‌گیرد،

است که در متن اغلب قوانین و مقررات، مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، ماده‌ی ۱۵۱ لایحه‌ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷، بازرس یا بازرسان را مکلف کرده است که هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه‌ی مدیران و مدیر عامل را به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید علاوه بر گزارش به مجمع عمومی، مراتب را به مرجع قضایی صلاحیتدار نیز اعلام کنند. در قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، مصوب سال ۱۳۸۷ نیز به کرات از این دو واژه استفاده شده است که تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳، ماده‌ی ۴، جزء ۱ از بند ب ماده‌ی ۵، تبصره‌های ۱، ۲، ۳ و ۵ ماده‌ی ۶ و تبصره‌ی الف ماده‌ی ۲۶ نمونه‌هایی از آن است. از نحوه‌ی استفاده از این سه واژه در مثال‌های بالا، چنین برمی‌آید که جرم، تخلف و تقصیر از نظر قانون‌نویسان کشورمان، دو مفهوم مستقل و جدا از یکدیگرند. در این صورت سؤال این‌جاست که ملاک یا ملاک‌های تشخیص هریک از این مفاهیم کدام‌اند؟

در فرهنگ لغت عمید، جرم معادل با واژه‌های گناه، خطا و بزه؛ تقصیر به معنای در کاری کوتاهی، سستی و خطا کردن؛ تخلف به معنای خلاف کردن و خلاف معادل با ناسازگاری، مخالفت، عمل ناشایست، جرم پایین‌تر از جُنحه، سخن ناحق و دروغ ذکر شده است. در علم حقوق، کلمه‌ی جرم از اصطلاحات حقوق جزاست و عبارت از عمل خلاف قانونی است که ارتکاب آن موجب مجازات می‌شود. مجازات به نسبت درجه‌ی اهمیت جرم تعیین می‌گردد. جرایم مهم‌تر که دارای مجازات‌های

سنگین‌تر هستند "جنایت"، جرایم ساده و کوچک "خلاف" و "جرائمی که از لحاظ اهمیت در بین جنایت و خلاف قرار می‌گیرند "جُنحه" نام‌گذاری شده است.

تحقیقات نشان داده واژه‌ی جرم و مشتقات آن (مجرمین، اجرموا، یجرمنکم، تجرمون، اجرمن...) بیش از ۶۰ بار در قرآن مجید آمده، و دلالت بر انجام عمل زشت و ناپسند دارد و رفتار مجرمانه و عقاید و اخلاق انحرافی را نیز شامل می‌شود. واژه‌ی خطا نیز در قالب دو مفهوم تحت عناوین "خطای مستول" و "خطای غیرمستول" در قرآن مجید آمده است. "خطای مستول" که در قالب کلمات خاطئون، خاطئه و خطیئه مورد تذکر واقع شده، اشاره به خطاهایی دارد که مرتکب، به‌رغم آگاهی از گناه



از دسته‌بندی پنج‌گانه‌ی جرم حذف شد. در ادامه، مروری بر مجازات‌های فوق طبق تعاریف ارائه شده برای آن‌ها در قانون مجازات اسلامی خواهیم داشت. براساس ماده‌ی ۱۵ قانون مجازات اسلامی جدید، حد، مجازاتی است که موجب آن نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. انواع مجازات‌های حدی پیش‌بینی شده در قانون عبارتند از اعدام، شلاق، قطع عضو، تبعید، حبس ابد و تراشیدن سر. براساس ماده‌ی ۱۶ قانون مجازات اسلامی جدید، قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است. مشتمل بر قصاص نفس در قتل عمدی و قصاص عضو در جنایات عمدی منجر به جرح و نقص عضو و منافع.

براساس ماده‌ی ۱۷ قانون مجازات اسلامی جدید، دیه، اعم از مقدار و غیرمقدار، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایات غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود. مشتمل بر دیه‌ی نفس و دیه‌ی اعضا.

براساس ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی جدید، تعزیر، مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف - انگیزه‌ی مرتکب و وضعیت



ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم
ب - شیوه‌ی ارتکاب جرم، گستره‌ی نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن
پ - اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم
ت - سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی
براساس ماده‌ی ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد. از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در

نقطه یا نقاط معین و مانند آن.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مجازات‌های بازدارنده در ارتباط مستقیم با تخلف بوده که به شرح پیش گفته، در بازنگری قانون مجازات اسلامی، با توسعه‌ی دامنه تعریف تعزیر، این مجازات‌ها به عنوان جزئی از تعزیرات شناخته شده‌اند. در همین زمینه در قانون مجازات اسلامی جدید، براساس ماده‌ی ۲۳، دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات‌های تعزیری با درجه‌بندی‌های خاص محکوم کرده باشد، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات فرد، به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر نیز محکوم کند:

الف - اقامت اجباری در محل معین
ب - منع از اقامت در محل یا محل‌های معین
پ - منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت - انفصال از خدمات دولتی و عمومی
ث - منع از رانندگی با وسایل نقلیه‌ی موتوری و یا تصدی وسایل موتوری
ج - منع از داشتن دسته‌چک و یا اصدار اسناد تجارت
چ - منع از حمل سلاح
ح - منع از خروج اتباع ایران از کشور

خ - اخراج بیگانگان از کشور
د - الزام به خدمات عمومی
ذ - منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی
ر - توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه‌ی دخیل در ارتکاب جرم
ز - الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ - الزام به تحصیل

س - انتشار حکم محکومیت قطعی
بر پایه‌ی آنچه ارائه شد، در قوانین
کیفری کشورمان، تخلف مفهومی
مستقل از جرم نیست و با توجه به قانون
مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲،
تخطی از مقررات و نظامات اجتماعی
و حکومتی، در زمره‌ی جرایم تعزیراتی
قرار گرفته‌اند. ولی نکته‌ای که در این جا
باید بر آن تأمل کرد، بحث تخلفات
اداری، تفاوت‌های آن‌ها با تخلفات
انضباطی (انتظامی) و نیز با جرم است،
که در ادامه بر آن‌ها مرور خواهیم کرد.

براساس دیدگاه‌های مطرح‌شده‌ی
حقوقدانان کشورمان، تخلف اداری
در قوانین موجود به تخلفاتی اطلاق
می‌شود که در محدوده‌ی سازمان‌ها و
دستگاه‌های دولتی یا وابسته به دولت،
به‌موجب مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی
تعیین و تعریف می‌گردند. در حالی که
تخلفات انضباطی یا انتظامی، اغلب در
محدوده‌ی سازمان‌های غیردولتی و
تشکل‌های حزبی، حرفه‌ای و صنفی
ضابطه‌گذاری می‌شوند.

براساس ماده‌ی ۸ قانون رسیدگی
به تخلفات اداری، مصوب سال ۱۳۷۲،
تخلفات اداری مشتمل بر موارد زیر
تعیین شده است:

۱- اعمال و رفتار خلاف شئون
شغلی یا اداری.

۲- نقض قوانین و مقررات مربوط.

۳- ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع
یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور
قانونی آن‌ها بدون دلیل.

۴- ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت.

۵- اخاذی.

۶- اختلاس.

۷- تبعیض یا اعمال غرض یا روابط
غیراداری در اجرای قوانین و مقررات



نسبت به اشخاص.

۸- ترک خدمت در خلال ساعات
موظف اداری.

۹- تکرار در تأخیر ورود به محل
خدمت یا تکرار خروج از آن بدون
کسب مجوز.

۱۰- تسامح در حفظ اموال و اسناد
و وجوه دولتی، ایراد خسارات به اموال
دولتی.

۱۱- افشای اسرار و اسناد محرمانه‌ی
اداری.

۱۲- ارتباط و تماس غیرمجاز با
اتباع بیگانه.

۱۳- سرپیچی از اجرای دستورهای
مقام‌های بالاتر در حدود وظایف اداری.

۱۴- کم‌کاری یا سهل‌انگاری در
انجام وظایف محول شده.

۱۵- سهل‌انگاری رؤسا و مدیران در

ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت
امر.

۱۶- ارائه‌ی گواهی یا گزارش
خلاف واقع در امور اداری.

۱۷- گرفتن وجوهی غیر از آنچه
در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ
هرگونه مالی که در عرف، رشوه‌خواری
تلقی می‌شود.

۱۸- تسلیم مدارک به اشخاصی که
حق دریافت آن را ندارند یا خودداری
از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق
دریافت آن را دارند.

۱۹- تعطیل خدمت در اوقات مقرر
اداری.

۲۰- رعایت نکردن حجاب اسلامی.

۲۱- رعایت نکردن شئون و شعایر
اسلامی.

۲۲- اختفا، نگهداری، حمل، توزیع
و خرید و فروش مواد مخدر.

۲۳- استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر.

۲۴- داشتن شغل دولتی دیگر به
استثنای سمت‌های آموزشی و تحقیقاتی.

۲۵- هر نوع استفاده‌ی غیرمجاز از
شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و
اموال دولتی.

۲۶- جعل یا مخدوش نمودن و
دست‌بردن در اسناد و اوراق رسمی یا
دولتی.

۲۷- دست بردن در سؤالات، اوراق،
مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سؤالات
امتحانی یا تعویض آن‌ها.

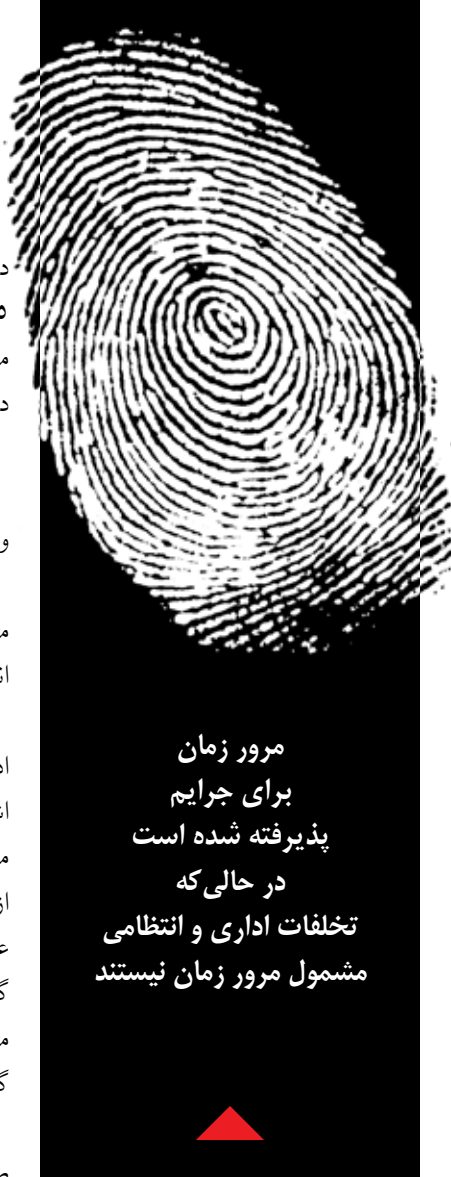
۲۸- دادن نمره یا امتیاز، برخلاف
ضوابط.

۲۹- غیبت غیرموجه به صورت
متناوب یا متوالی.

۳۰- سوءاستفاده از مقام و موقعیت
اداری.

۳۱- توقیف، اختفا، بازرسی یا
بازکردن پاکت‌ها و محمولات پستی یا





**مرور زمان
برای جرایم
پذیرفته شده است
در حالی که
تخلفات اداری و انتظامی
مشمول مرور زمان نیستند**

دولتی برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵ سال سابقه‌ی خدمت دولتی برای مستخدمین مرد بر اساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه.

۱۰- اخراج از دستگاه متبوع.
۱۱- انفصال دایم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون.

با توجه به مطالب بالا، تفاوت‌های مهم بین تخلفات اداری و تخلفات انضباطی (انتظامی) عبارتند از:

• هدف از اعمال تنبیهات به تخلفات اداری، صیانت از حقوق دولت و گاه اشخاصی است که دولت در مقابل آنها مسئولیت پیدا می‌کند. در حالی که هدف از مقابله با تخلفات انضباطی (انتظامی)، عمدتاً حفظ منافع درون‌سازمانی و گروهی یا به عبارتی حفظ حقوق و منافع اشخاص حقیقی و حقوقی عضو گروه است.

• مرجع رسیدگی به تخلفات اداری طبق قانون مربوطه، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری است در حالی که مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی و انضباطی، مراجع اختصاصی پیش‌بینی‌شده در مقررات داخلی است.

• احکام صادره از هیئت‌های تخلفات اداری قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری است در حالی که احکام صادره در مراجع رسیدگی به تخلفات انتظامی و انضباطی، قابلیت تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری نیستند.

• آیین رسیدگی و تحصیل دلیل در مراجع رسیدگی به تخلفات اداری و انضباطی با هم تفاوت دارند.

• تخلفات اداری و انضباطی نوعاً می‌توانند با هم متفاوت باشند به نحوی که ممکن است عملی که در یک سازمان صنفی یا شکل حرفه‌ای تخلف

معدوم کردن آنها و استراق سمع بدون مجوز قانونی.

۳۲- کارشکنی و شایعه‌پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم‌کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی.

۳۳- شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی، یا تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی.

۳۴- عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند.

۳۵- همکاری با ساواک منحل به عنوان مأمور یا منبع خبری و داشتن فعالیت یا دادن گزارش ضدمردمی.

۳۶- عضویت در سازمان‌هایی که مراننامه یا اساسنامه‌ی آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها.

۳۷- عضویت در گروه‌های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها.

۳۸- عضویت در تشکیلات فراماسونری.

در ماده‌ی ۹ قانون مذکور، تنبیهات پیش‌بینی‌شده برای تخلفات فوق به شرح زیر احصا شده است:

۱- اخطار کتبی بدون درج در پرونده‌ی استخدامی.

۲- توبیخ کتبی با درج در پرونده‌ی استخدامی.

۳- کسر حقوق و فوق‌العاده‌ی شغل یا عناوین مشابه حداکثر تا یک سوم، از یک ماه تا یک سال.

۴- انفصال موقت از یک ماه تا یک سال.

۵- تغییر محل جغرافیایی خدمت به

مدت یک تا پنج سال.

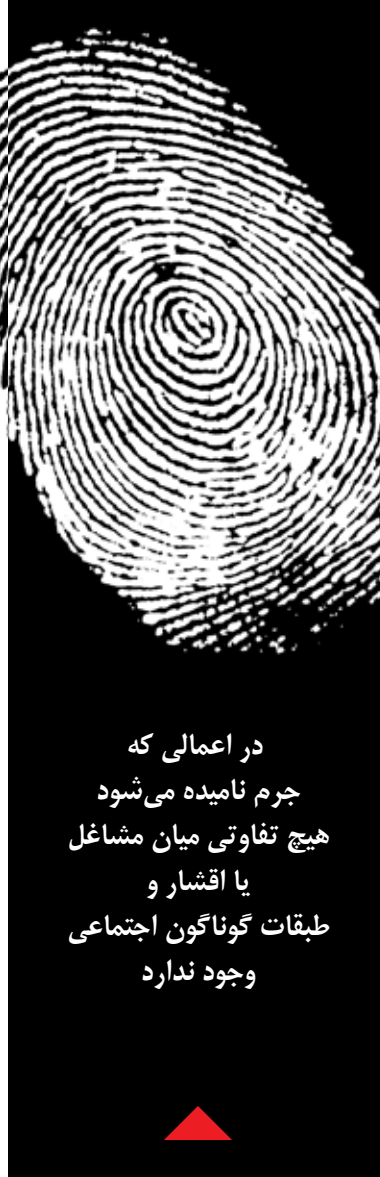
۶- تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون.

۷- تنزل یک یا دو گروه و یا تعویق در اعطای یک یا دو گروه به مدت یک یا دو سال.

۸- بازخرید خدمت در صورت داشتن کم‌تر از ۲۰ سال سابقه‌ی خدمت دولتی در مورد مستخدمین زن و کم‌تر از ۲۵ سال سابقه‌ی خدمت دولتی در مورد مستخدمین مرد با پرداخت ۳۰ تا ۴۵ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به تشخیص هیئت صادرکننده‌ی رأی.

۹- بازنشستگی در صورت داشتن بیش از بیست سال سابقه‌ی خدمت





**در اعمالی که
جرم نامیده می‌شود
هیچ تفاوتی میان مشاغل
یا اقشار و
طبقات گوناگون اجتماعی
وجود ندارد**

اصلاح اجتماع نیست و اصلاح اداره‌ی امور هدف اولیه و اساسی آن است، در حالی که در کیفر جرایم، این هدف معکوس می‌شود.

از نظر قابلیت گذشت: در تخلفات اداری و انضباطی اصولاً هیچ تخلفی قابل گذشت نیست اما درجات برخورد و کیفر تخلف ممکن است متغیر باشد. در حالی که در برخی از جرایم، گذشت از طرف مجنی علیه پیش‌بینی شده است و اوست که سرنوشت کیفر را در دست دارد.

از نظر قصد و نیت مرتکب: در تخلفات اداری و انضباطی، عمدی یا غیرعمدی بودن تخلف مطرح نیست، اما برای آن‌که رعایت عدالت شده باشد و اعمال با سوءنیت و بدون سوءنیت با هم تفاوت داشته باشند معمولاً اصطلاح سهل‌انگاری در تخلفات اداری و انضباطی، پیش‌بینی می‌شود. سهل‌انگاری اغلب ریشه‌ی غیرعمدی داشته و ناشی از بی‌مبالایی و عدم توجه به وظایف و بایدهای شغلی است. در حالی که عنصر عمد و غیرعمد در جرایم عمومی و خصوصی، اثرات فراوان و مستقیمی بر نوع کیفرها دارد.

از نظر شروع به جرم و شروع به تخلف: در قوانین جزایی، شروع به جرم امر مهم و قابل توجهی است و مواد قانونی خاصی نیز به آن اختصاص داده شده است اما در تخلفات اداری و انضباطی، شروع به تخلف جایگاه قانونی ندارد و اصولاً به آن توجهی نمی‌شود و شروع به تخلف به تنهایی اگر شناسایی شود قابل کیفر نیست.

از نظر نحوه‌ی رسیدگی: آیین دادرسی کیفری برای رسیدگی به جرایم با آیین رسیدگی به تخلفات اداری و آیین رسیدگی به تخلفات انضباطی،

می‌گردد درحالی که کیفر تخلفات اداری و انضباطی هرگز نمی‌تواند حقوق و آزادی‌های فردی را محدود یا نسبت به جسم و جان افراد تعدی کند.

از نظر هدف از اعمال کیفر: هدف از کیفرهای جرایم، صیانت از جامعه در تمامی ابعاد اقتصادی و فرهنگی و سیاسی آن است. همچنین مجازات جرایم به دنبال جبران لطمه‌ای است که در اثر ارتکاب جرم بر پیکر جامعه از یک‌طرف و فرد مجنی علیه از طرف دیگر وارد آمده است. در حالی که هدف از کیفر در تخلفات اداری، جبران لطماتی است که در اثر ارتکاب تخلف به اداره و مراجعان آن وارد آمده و در مورد تخلفات انضباطی، جبران صدمه به وجهه و هویت تشکّل و اعضای آن است. افزون بر این، هدف اولیه‌ی کیفر تخلفات اداری و انضباطی

محسوب می‌شود، در یک وزارتخانه دولتی تخلف تلقی نشود و بالعکس.

• **تخلف اداری** با توجه به اثری که در امور اداری دولت برجا می‌گذارد و با توجه به این‌که طرف عمده آن دولت است، غیرقابل گذشت هستند. درحالی که تخلفات انتظامی و انضباطی ممکن است از جانب سازمان صنفی مورد گذشت قرار گیرد و معمولاً تکلیفی برای تعقیب متخلف و کیفر آن در نظر گرفته نمی‌شود.

در زمینه‌ی تفاوت‌های بین جرم و تخلفات اداری و انتظامی، حقوقدانان تفاوت‌های یازده‌گانه‌ی زیر را مطرح کرده‌اند:

از نظر دایره‌ی شمول: جرایم، اعمال یا ترک اعمالی هستند که کلیه‌ی افراد اجتماع بدون استثنا ممکن است انجام دهند و در اعمالی که جرم نامیده می‌شود هیچ تفاوتی میان مشاغل یا اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی وجود ندارد. مثلاً جرم سرقت یا قتل عمد برای تمام افراد اجتماع در هر موقعیتی که باشند به یک شیوه تعریف شده است اما تخلفات اداری و انضباطی، به مدیران و کارکنان دولتی اعضای یک تشکّل، که قشر خاصی را تشکیل می‌دهند مربوط می‌شود.

از نظر نوع کیفر: مجازات‌های جرایم عمومی و اختصاصی نوعاً با تنبیهات تخلفات اداری و انضباطی متفاوت و اغلب شدیدتر هستند.

از نظر تنوع کیفر: تنوع کیفر جرایم به مراتب بیش‌تر از تنوع کیفر تخلفات اداری و انضباطی است و این امر ناشی از وسعت دایره‌ی شمول جرایم نسبت به تخلف‌های مزبور است.

از نظر دامنه‌ی کیفر: کیفر جرایم بعضاً متوجه جسم و جان و آزادی افراد

دارای تفاوت‌های متعدد شکلی و ماهوی است.

از نظر شمول مرور زمان: در قانون آیین دادرسی مدنی، مرور زمان برای جرایم پذیرفته شده است، در حالی که تخلفات اداری و انتظامی مشمول مرور زمان نیستند. یعنی هرگاه و پس از گذشت سال‌ها، تخلفی شناسایی گردد می‌تواند بررسی و رسیدگی به آن در دستور کار قرار گیرد و حکم به محکومیت متخلف داده شود.

از نظر معاونت در ارتکاب: در تخلف اداری و انضباطی، اعمالی که توسط شخص دیگر به عنوان معاونت در تخلف اداری و انضباطی صورت می‌گیرد، خود مستقلاً تخلف بوده و جداگانه و بدون توجه به اثر آن در اقدام فرد دیگر که مباشر فرض می‌شود قابل بررسی و تنبیه است. زیرا اقدام هریک از آن‌ها مستقلاً یک تخلف اداری یا انتظامی بوده و به تنهایی قابل کیفر می‌باشد.

اکنون بر اساس آنچه ارائه شد، در پاسخ به سؤال مطرح در عنوان این مقاله می‌توان گفت، عدم رعایت قوانین و مقررات، چه ناشی از انجام یک عمل مغایر با قوانین باشد و چه به دلیل ترک

فعل و یا به عبارتی کوتاهی در انجام یک تکلیف قانونی باشد، در صورتی که در قانون مجازات اسلامی برای آن مجازاتی پیش‌بینی شده باشد، از مصادیق جرم بوده و مستوجب مجازات‌هایی است که نوع و میزان آن را قانون، متناسب با گستردگی پیامدهای جرم تعیین کرده است. مقررات اداری در سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و تکالیف و الزامات اداری و انضباطی (انتظامی) در سازمان‌های غیر دولتی و تشکلهای حزبی، حرفه‌ای و صنفی، مجموعه ضوابطی هستند که عدم رعایت آن‌ها، اعم از ارتکاب به عملی خاص و یا قصور در تکالیف، از مصادیق تخلف است. تنبیهات این تخلفات و نحوه برخورد با آن‌ها را، حسب مورد قانون رسیدگی به تخلفات اداری و یا ضوابط و آیین‌نامه‌های انضباطی داخل سازمانی و درون‌گروهی، تعیین می‌کند. بدیهی است چنانچه این تخلفات در زمره جرایم تعریف‌شده در قوانین جزایی کشور باشند، اعمال مجازات‌های پیش‌بینی شده برای آن‌ها، نسبت به تنبیهات یادشده اولویت بالاتری خواهد داشت.

در پایان، خاطرنشان می‌شود که براساس قانون مجازات اسلامی جدید، مسئولیت کیفری، دیگر مختص اشخاص حقیقی نیست. وفق مفاد ماده‌ی ۲۰ این قانون، در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده‌ی ۱۴۳ مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود.

- الف - انحلال شخص حقوقی
- ب - مصادره‌ی کل اموال
- پ - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال
- ت - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال
- ث - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال
- ج - جزای نقدی
- چ - انتشار حکم محکومیت به وسیله‌ی رسانه‌ها
- توجه‌ی حسابرس به این مهم، هنگام ارزیابی تداوم فعالیت واحدهای مورد رسیدگی بسیار ضروری است.

پی‌نوشت

براساس ماده‌ی ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

منابع

- فرهنگ لغت عمید
- تفسیرالمیزان، علامه طباطبائی
- دیباچه‌ای بر حقوق مدنی، دکتر محمدعلی موحد
- قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰ و اصلاحات بعدی آن
- حقوق جزای عمومی، دکتر هوشنگ شامبیاتی
- قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب سال ۱۳۷۲ و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن
- قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، مصوب سال ۱۳۸۷
- لایحه‌ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب سال ۱۳۴۷
- استانداردهای حسابرسی ایران
- قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲
- حقوق جنایی، دکتر عبدالحسین علی‌آبادی